



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شهر وندلی
حقوق

در پها ئیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق شهروندی در بهائیت

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حقوق شهروندی در بهائیت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	حقوق شهروندی از نگاه باب
۶	حق آموختن
۷	حق زیستن
۷	حق درمان
۷	حق تشکیل خانواده
۷	حق مالکیت
۸	حق کسب و کار و تجارت
۸	حق داشتن عبادتگاه
۸	حقوق شهروندی از نگاه بهاء، عبدالبهاء و شوقی
۸	حق انسانیت
۸	حق کرامت و احترام
۹	حق برابری و مساوات
۱۰	حق آزادی
۱۱	حق دادرسی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حقوق شهروندی در بهائیت

مشخصات کتاب

برگرفته از:

سایت بهائی پژوهی

مقدمه

این روزها واژه «حقوق شهروندی» در عرف سیاسی و بین‌المللی، واژه شناخته شده‌ای است و منظور از آن حقوقی است که یک انسان به عنوان یک شهروند در یک کشور و در تحت لوای یک حاکمیت باید از آن بهره‌مند باشد. منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز حد و حدودی برای آن ترسیم نموده است که مورد قبول و امضای اعضای این سازمان قرار گرفته است. اما از آنجا که در بعضی کشورها، حقوق انسانها ریشه در اعتقادات مردم آن سرزمین دارد باید این حقوق را در مبانی فکری و اعتقادی آن سرزمین نیز جستجو نمود. بنده به نظر رسید در بهائیت این تحقیق را شروع نمائیم که بر اساس متون بهائی شهروندان از چه حقوقی برخوردارند. چه شهروندانی که به این اعتقاد دل داده و آن را پذیرفته‌اند و چه آنها که آن را نپذیرفته و در تحت حاکمیت آنها زندگی می‌کنند. این بحث را در دو بخش ارائه خواهم نمود:

حقوق شهروندی از نگاه باب

حق آموختن

الف: آموختن همه علوم تعطیل است! از نظر جناب باب، جایز نیست هیچ کتابی جز «بیان» تدریس شود لذا همه مدارس، دانشگاهها، مراکز پژوهشی و آموزشگاهها یا باید تعطیل شوند و یا فقط به آموزش کتاب بیان میرزا علی محمد شیرازی بپردازند! این هم عبارت بیان: «لا يجوز التدریس فی کتب غیر البیان» «بیان فارسی صفحه ی ۱۳۰» پس تکلیف حق آموختن شهروندان (که یکی از حقوق آنهاست) معلوم شد چیست: فقط شهروندان مجازند بیان بخوانند و به بچه‌های خود هم بیان بیاموزند و مدار آموزش نباید جز کتاب بیان باشد! ب: باید خط شکسته بیاموزید! جناب باب نوع خط و نحوه کتابت شهروندان را هم تعیین فرموده‌اند و دستور داده‌اند که باید مدار کتابت، خط شکسته باشد و به کودکان خود خط شکسته را بیاموزید. این هم عبارت آن: «و لتعلمن خط الشکسته!!» «بیان عربی صفحه ی ۲۶» (از عبارت «شکسته» در متن عربی باب تعجب نکنید! عبارات عربی جناب باب همینطور هاست). ج: بیش از نوزده جلد کتاب نداشته باشید! شهروندان مطابق آئین باب، اجازه نگهداری بیش از نوزده جلد کتاب را ندارند. اگر هم از این امر تخطی نمایند باید نوزده مثقال طلا جریمه بپردازند! لذا کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و آثار هم تعطیل! این هم عبارت مورد نظر: «نهی عنکم فی البیان ان لا- تملکن فوق عدد الواحد من کتاب و ان تملکتهم فلیزمنکم تسعه عشر مثقالا من ذهب حدا فی کتاب الله لعلکم تتقون». د: تمام آثار باب را بخريد! دستور است که همه شهروندان در صورت توان کتاب‌های جناب باب را بخردند و مالک شوند و نگهدارند! عبارت: «ثم العاشر اذا استطعتم کل آثار النقطه تملکون و لو کان چاپا!!» «بیان عربی صفحه ی ۴۲» (اگر از عبارت «چاپا» در عبارت عربی باب تعجب کرده‌اید بدانید ما اضافه نکردیم و مال خود اوست!) ه: تمام کتاب‌ها را از بین ببرید! خلاصه شهروندان موظفند نه تنها کتابی جز بیان (یا آنچه در بابیت نگاشته شده) را نخوانند بلکه دستور دارند همه کتاب‌های علمی جهان (بجز بیان و آثار بابی) را از روی زمین محو نمایند!! «الباب السادس من واحد السادس فی حکم محو

کل الکتب الا مانئست او تنشی فی ذلک الامر» «بیان فارسی صفحه ی ۱۹۸» این مستندات که از معتبرترین سند بابی (یعنی کتاب بیان) نقل گردید تکلیف حقوق شهروندان در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت را مشخص نمود.

حق زیستن

از نظر جناب باب، هیچکس جز بایان حق زیستن روی زمین را ندارند و دگر اندیشان باید قتل عام شوند!! در پنج قطعه زمین نباید غیر مومنین به بیان زندگی و سکونت کنند! ص ۱۹۳ بیان فارسی ایشان دستور می دهند سلطان بیان، همه دگر اندیشان و غیر بایان را نابود گرداند و اجرای این امر واجب هم فقط بعهد سلطان بابی نیست بلکه بر خود افراد بابی هم این موضوع واجب است و باید آنها هر غیر بابی را از روی زمین بر دارند و نابود نمایند!! این هم عبارت او: «الباب السادس والعشر من الواحد السابع فی ان الله قد فرض علی کل ملک یبعث فی دین البیان ان لایجعل احد علی ارضه ممن لم یدن بذلک الدین و کذلک فرض علی الناس کلهم اجمعون» «بیان فارسی صفحه ی ۲۶۲». پس شهروندان غیر بابی، حق حیات ندارند و باید برای مرگ آماده شوند!

حق درمان

از نظر باب، شهروندان اگر مریض شوند حق مصرف دارو ندارند! جناب ایشان می فرمایند: دارو بطور مطلق، در ردیف مسکرات و افیون است. خرید و فروش و مصرف آن حرام می باشد! این هم عبارت ایشان در این زمینه: «الباب الثامن من الواحد التاسع فی حرمة التریاق والمسکرات و الدواء مطلقا ملخص این باب آنکه کل شئون دون حب از دون حق بوده و هست و کل شئون حب از حق بوده و هست» «و نهی شده از مسکرات و آنچه حکم دواء بر او ذکر شده» و این حکم را در بیان عربی به این صورت آورده: «انتم الدواء ثم المسکرات و نوعها لا تملکون» «بیان عربی صفحه ی ۴۲» بنابراین شهروندان حق ندارند دارو بخرند و مالک آن شوند و مصرف نمایند و اگر بر اثر این کار تلف شدند از نظر شارع بیان، ملالی نیست!

حق تشکیل خانواده

از نظر جناب باب، شهروندان بابی حق ندارند با غیر دین خود ازدواج نمایند. ضمنا حتما باید سعی نمایند بچه دار شوند و اگر آشکار شد که یکی از آن دو مانعی دارد که نمی تواند بچه دار شود با اجازه دیگری مجاز است کاری کند تا از او فرزندی حاصل شود! عبارت او چنین است: «الباب الخامس والعشر من الواحد الثامن» «فی ان فرض لکل احد» «ان یتاهل لبقی عنها من نفس یوحده الله ربها و لابد» «ان یجتهد فی ذلک و ان یظهر من احدهما ما یمنعهما عن» «ذلک حل علی کل واحد باذن دونه لان یظهر عند الثمرة» «و لا یجوز الاقتران لمن لا یدخل فی الدین» «بیان فارسی صفحه ی ۲۹۸»

حق مالکیت

شهروندان غیر معتقد به بیان، حق هیچ مالکیتی ندارند و اهل بیان باید اموال هر کسی که به شریعت بیان ایمان نیاورده، مصادره نمایند و استثنای این قانون فقط در جاهائی است که اهل بیان به قدرت نرسیده باشند ولی اگر قدرت یافتند حکم همان مصادره اموال است! عبارت مرتبط با این مطلب: «ثم الخامس فلتأخذن من لم یدخل فی البیان ما ینسب الیه» «ثم ان آمنو التردون الا فی الارض التي انتم علیها لا تقدرون» «بیان عربی صفحه ی ۱۸» اگر هم جنگی بین مومنین به بیان و مسلمانان رخ دهد تمام اموال بدست آمده از طرف مقابل و غنائم جنگی متعلق به شخص باب می باشد: بیان فارسی ص ۱۵۹

حق کسب و کار و تجارت

شهروندان نباید به خرید و فروش تنباکو و امثال آن پردازند. همچنین نباید با اهالی خراسان تجارت و معامله نمایند! و یا هر چیزی که از سوی خراسان حمل می شود! متن عبارت او: «و نهی شده از تنباکو و اشباه آن و آنچه که از سمت خراسان حمل میشود». «بیان فارسی صفحه ی ۳۲۲» ضمناً شهروندان جق ندارند عناصر اربعه (آب و خاک و آتش و هوا) را خرید و فروش نمایند که اگر اقدام به خرید و فروش آنها نمایند، کار حرامی را مرتکب شده اند! «ثم الحادی من بعد العشر لا تبیعون عناصر الرباع و لا تشترون» «بیان عربی صفحه ی ۴۳»

حق داشتن عبادتگاه

شهروندان غیر بابی حق داشتن هیچ عبادتگاه، زیارتگاه و بقعه مخصوص به خود را ندارند و باید تمام این بقعه ها و عبادتگاهها توسط ظهور بعد تخریب شود!! ص ۱۳۵ کتاب بیان فارسی افتتاح آئین باب در اعطای حقوق شهروندی به حدی واضح و آشکار است که عبدالبهاء هم به آن اذعان نموده و زشتی آن را تایید کرده است! به عبارت او توجه فرمائید: کتاب مکاتیب - جلد ۲ صفحه ۲۶۶: «در یوم ظهور حضرت اعلی (میرزا علی محمد) منطوق بیان (عبارت بود از) ضرب اعناق (گردن زدن غیر بابیها) حرق کتب (سوزاندن کتابها) و اوراق و هدم بقاء و قتل عام الا من امن و صدق (غیر بابیان) بود!! نکته بسیار مهم: دوستان بهائی نمی توانند بگویند ما ربطی به باب نداریم و دینی مستقل از او هستیم! هر موقع خواستند چنین چیزی بفرمایند بخاطر آورند که از نظر آنها باب یک دین آسمانی بوده که جناب بهاءالله هم حدود سی سال به آن ایمان داشته و کتاب ایقان را در اثبات آن نوشته و به آن عمل می نموده است. تصور کنید اگر چنانچه فقط یک روز این آئین حاکمیت می یافت وضعیت دنیا چه می شد: همه غیر بابی ها قتل عام می شدند و همه کتاب ها سوزانده می شد و همه عبادتگاه ها تخریب می گردید و... و خلاصه امروز در روی زمین کسی جز بابی وجود نداشت! ضمناً برای بهائیان، باب آنقدر مهم است که آرزوی آنان زیارت قبر اوست! به یاد بیاورند برای چه به زیارت قبر او در اسرائیل می روند و قبر او زیارتگاه درجه یک آنان است؟! و نیز در وجود ارتباط تنگاتنگ آئین باب و بهائیت همین بس که حج بهائیان بدون زیارت خانه او در شیراز و قبر او در اسرائیل که به شکل زیبایی آن را درست کرده و کلی به آن می بالند، ناقص است...

حقوق شهروندی از نگاه بها، عبدالبهاء و شوقی

حق انسانیت

شهروندان غیر بهائی، انسان نیستند! از نظر جناب بهاءالله، فقط بهائیان انسان محسوب می گردند و غیر بهائیان، از بهائم و حیوانات شمرده می شوند. لذا شهروندان غیر بهائی، سهمی از انسانیت نداشته و اصولاً انسان نیستند چه رسد به اینکه حقوق شهروندی داشته باشند. این هم شاهد: میرزا در کتاب بدیع صفحه ۲۱۳ نوشته است: «نفوسی که از امر بدیع معرضند از رداء اسمیه و صفتیه محروم و کل از بهائم بین یدی الله محشور و مذکور!!»

حق کرامت و احترام

۱- شهروندان غیر بهائی دارای احترام و رتبه نیستند! بنابر نصوص بهائی هرکس غیر بهائیان را انسان بنامد یا برای آنها رتبه ای قائل شود، از همه فیوضات و مراحم خداوندی محروم خواهد بود! حضرت بهاءالله در کتاب بدیع، صفحه ی ۱۴۰ می نویسد: «الیوم هر

نفسی بر احدی از معرضین من اعلاهم او من ادناهم ذکر انسانیت نماید، از جمیع فیوضات رحمانی محروم است تا چه رسد که بخواهد از برای آن نفوس اثبات رتبه و مقام نماید!! ملاحظه می فرمایید که جناب بهاءالله نه تنها غیر بهائیان را از دایره انسانیت خارج می داند، بلکه به فتوای ایشان هر کس که آنها را آدم بداند، او نیز از جمیع فیوضات رحمانی محروم است. حق شهروندی پیشکش! در جای دیگر غیر بهائیان را سنگریزه های بی ارزش می شمرد: مائده آسمانی، ج ۴ (چاپ جدید) ص ۱۴۰ و (چاپ قدیم) ص ۳۲۷ «احبائی هم لئالی الامر و من دونهم حصاء الارض». یعنی: (دوستداران من در و جواهر و مابقی ایشان سنگ ریزه های ارض خاکی اند). ۲- شهروندان غیر بهائی، زنازاده اند! (با عرض پوزش فراوان از خوانندگان) از نظر جناب بهاءالله کسانی که امر بهائی را نپذیرند و انکار نمایند زنازاده اند. ایشان در مورد منکرین خویش چنین فرموده اند: من ینکر هذا الفضل الظاهر المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف یرجع الی اسفل الجحیم. یعنی حتی به برادر و خواهر خود (ازل و عزیزه) هم که مخالف او بودند رحم نمی کند و آنها را با این عبارت زنازاده می نامد! همچنین شهروندانی هم که بغض جناب بها را در دل داشته باشند باید بدانند که حرام زاده اند و باید بروند حال خود را از مادر خود بپرسند چنانکه در صفحه ۷۹ کتاب گنج شایگان و مائده آسمانی صفحه ۳۵۵ باب یازدهم تصریح شده است که: قل من کان فی قلبه بغض هذا الغلام (بهاء) فقد دخل الشیطان علی فراش امه بگوهر کس در قلبش دشمنی این غلام (بهاء الله) را داشته باشد قطعاً شیطان در بستر و رختخواب مادرش رفته است! ۳- باید همچون عذاب باشید برای غیر بهائیان! ایشان می فرمایند: برای بهائیان ابر رحمت و برای کافران و مشرکان عذاب محتوم باشید! مجموعه الواح، ص ۲۱۶ «انتم یا احباء الله کونوا سحاب الفضل لمن آمن بالله و بآياته و عذاب المحتوم لمن کفر بالله و کان من المشرکین» ۴- عدم معاشرت با دگر اندیشان ایشان دستور می دهند نه با دگر اندیشان، نشست و برخاست کن و نه معاشرت و نه از آنها چیزی بشنو و سخنی بگو، حتی اگر خواهر و برادرت باشد!): مجموعه الواح، ص ۳۶۰ «ایاک ان لا تجتمع مع اعداء الله فی مقعد ولا تسمع منه شیئا و لو یتلی علیک من آیات الله العزیز الکریم» مائده، ج ۴، ص ۳۶۵ (باب نهی از معاشرت با مشرکین) «لا تعاشری مع المشرکات کذلک یا مرک منزل الایات» مائده، ج ۸، مطلب ۵۲، ص ۳۸ «انا قطعنا حبل النسبه من کل ذی نسبه الا لمن آمن بالله و اعرض عن المشرکین. ان یا عبادی لو یسمع احد منکم بان اعرض اخوه او اخته عن الله ینبغی له بان یعرض عنه و یقبل الی محبوب المخلصین»

حق برابری و مساوات

۱- گاو محسوب شدن شهروندان سیاه آفریقائی! جناب عبدالبها درباره سیاهان آفریقائی و فرقتان با سیاهان امریکائی می گوید: «مثلاً چه فرق است میان سیاهان افریک (آفریقا) و سیاهان امریک، اینها خلق الله البقر علی صورۃ البشرند آنان متمدن و باهوش و فرهنگ...»!! (خطابات بزرگ، ص ۱۱۹) لذا از نظر ایشان سیاهان آفریقائی گاو هستند (حتی نمی گوید «مثل» گاو هستند بلکه می گوید خود گاو هستند)! ۲- وحشی دانستن شهروندان ترک و اهانت به آنان اسرار الآثار، ج ۲ ص ۱۵۴ (ذیل کلمه ترک) «در توفیقی خطاب به حاجی میرزا آقاسی است: اترکوا التروک و لو کان ابوک، ان احبوک اکلوک و ان ابغضوک قتلوک.» (از ترک زبانان دوری کن و فاصله بگیر، اگر چه پدرت باشد که اگر دوستت بدارد خواهدت خورد و اگر دشمن بدارد خواهدت کشت!). ۳- جاهل محسوب شدن شهروندان غیر بهائی از نظر جناب بها، شهروندان دگر اندیش (غیربهائی) که تصدیق بهائیت را نکرده اند جاهل و نادان هستند! او در اقتدارات ص ۱۱۱ می فرماید: گر مرد دانشمندی در تصدیق امر توقف کند جاهل محسوب می شود! ۴- تبعیض بین شهری و روستائی از نظر حقوق شهروندی از نظر شارع بهائی، بین زن شهری و زن روستائی، فرق وجود دارد. مهریه زن شهری طلاست و مهریه زن روستائی نقره و نباید اعتراضی هم داشته باشد! و طبیعتاً مرد شهری و روستائی از نظر اقتصادی از هم متمایز می گردند چون یکی موظف به پرداخت طلا و دیگری موظف به پرداخت نقره است! ۵- تبعیض بین زن و مرد از نظر حقوق

شهروندی زن بهائی از خانه و البسه شوهرش ارث نمی برد! دختر بهائی از خانه پدری و البسه او ارث نمی برد! پسران متوفی بطور یکسان از پدر و مادر ارث نمی برند و ارث پسر بزرگتر از دیگر برادران و خواهران بیشتر است و در مجموع هم پسران از دختران بیشتر ارث می برند! زن بهائی از حج رفتن محروم است! زن بهائی هرگز نمی تواند به عضویت نهاد رهبری بهائیت یعنی بیت العدل در آید! شهروندان مرد نسبت به شهروندان زن، اقدم و اقوی هستند چنانکه در حیوانات هم اینگونه است! عبارت در کتاب گلزار تعالیم بهائی صفحه ۲۸۸، اینگونه است: «سؤال خانمی به حضور مبارک عرض شد که گفته بود تا حال از جانب خدا زنی مبعوث نشده و همه مظاهر الهیه رجال بوده اند. فرمودند: «هر چند نساء با رجال در استعداد و قواء شریکند ولی شبهه ای نیست که رجال اقدمند و اقوی حتی در حیوانات مانند کبوتران و گنجشگان و طاووسان و امثال آنان هم این امتیاز مشهود!!»

حق آزادی

الف: آزادی بیان ۱- شهروندان، حق آزادی بیان علیه تشکیلات را ندارند! هیچ شهروند بهائی حق ندارد علیه تشکیلات بهائی (از محافل محلی و ملی و ایادیان و مشاورین و یاران و لجنات و... گرفته تا برسد به بیت العدل) سخنی بگوید که در این صورت با مجازات بسیار سنگین «طرد» روبرو می شود. ب: آزادی سفر ۲- شهروندان حق مسافرت به اسرائیل بدون اجازه تشکیلات را ندارند! چنانچه شهروند بهائی بدون اجازه تشکیلات به اسرائیل مسافرت کند و یا حتی بدون هماهنگی هواپیمایش از روی آسمان اسرائیل عبور کند به مجازات سنگین «طرد» از سوی رهبری بهائیت مبتلا می شود! افراد متعددی بودند که بدون اجازه شوقی به جاهائی سفر کرده بودند که با خشم او روبرو شده و از سوی او «طرد» شدند! فحاشی شوقی افندی و طرد کسی که بدون اطلاع او به اسرائیل مسافرت کرده است: در موضوع صادق فرزند آقا محمد جواد آشچی فرمودند بنویس: این شخص بداخلاق و پست فطرت اخیرا مخالف دستور این عبد مسافرت به فلسطین نموده و وارد ارض اقدس گشته، تلغرافی راجع به طرد و اخراج او از جامعه به آن محفل مخابره گردید به والدش صریحا اظهار و انذار نمایند مخابره با او به هیچ وجه من الوجوه جائز نه، تمرد و مخالفت نتایجش وخیم است! (شوقی افندی، توقیعات مبارکه، (۱۰۲ - ۱۰۹) ص ۴۱). این هم اسامی برخی از افراد دیگری که توسط جناب شوقی طرد روحانی شده اند: ۱- روحی افنان نوه جناب عبدالبهاء به دلیل سفر دوم به آمریکا در سال ۱۹۳۵ بدون تایید شوقی افندی ۲- زهرا خانم نواده دختری جناب عبدالبهاء همسر روحی افنان بدلیل ازدواج بدون کسب موافقت شوقی افندی ۳- ثریا خانم نواده جناب عبدالبهاء همسر فیضی افنان خواهر روحی افنان به دلیل ازدواج با یک ناقض عهد ۴- فواد افنان نوه جناب عبدالبهاء به دلیل سفر به انگلستان ۵- فیضی افنان نواده جناب بهاءالله ج: آزادی سیاسی شهروندان حق دخالت در سیاست، عضویت در احزاب، شرکت در انتخابات و... را ندارند! طبق متون اصلی بهائی، هیچ شهروندی حق دخالت در سیاست، مخالفت با حاکمیت، اعتراض به ظالمان، شرکت در احزاب سیاسی، حضور در انتخابات و خلاصه فعالیت سیاسی در کشورها را ندارد! اعتراض به حاکمان و زمامداران هم جائز نیست: جناب میرزا در اقدس، هرگونه اعتراضی را بر حاکمان و زمامداران جائز ندانسته و اکیدا دستور می دهد امور آنها را به خودشان واگذارد و به آنها اعتراض ننماید و به جای آن به قلوب توجه ننماید. عبارت او چنین است: لیس لاحد ان يعترض علی الذین يحكمون علی العباد! در نقطه مقابل به اسم رافت دستور همنشینی با خائنان و اهرمنان داده شده است: دستور همنشینی شهروندان با خائنان و گرگان خونخوار و اهرمنان! «...اهرمن را ملائکه شمارید. جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید و گرگان خونخوار را مانند غزالین ختن و ختا مشک معطر به مشام رسانید. خائنان را ملجأ و پناه گردید... (ص ۱۶۰ ج سوم مکاتیب)»: د: آزادی های شخصی شهروندان حق تراشیدن سر یا بلند کردن مو (بیشتر از حد گوش) را ندارند! شهروندان مطابق دستورات کتاب اقدس، نباید سر خود را بتراشند و موهای خود را بیشتر از دوسه سانتیمتر (تا حد گوش) بلند کنند! شهروندان حق ملاقات و دیدار مشرکین و منافقین را ندارند! از نظر رهبران بهائی، ملاقات دگر اندیشان حرام است: «إعلم بأن الله حرم علی احباء

الله لقاء المشركين و المنافقين، بدان که خدا بر احبایش دیدار با مشرکین و منافقین را حرام کرده است» (مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۸۰) جالب است دانسته شود که از نظر بهائیت، شیعیان هم جزو مشرکین محسوب می‌شوند و طبیعتاً لقای این مشرکین هم حرام است چنانکه در ص ۱۴۰ مائده ج ۴ و نیز ریح مختوم ص ۵۹۵ آمده است: «لعمرا لله (به خدا سوگند) حزب شیعه از مشرکین از قلم اعلی در صحیفه حمرا مذکور و مسطور! یعنی سوگند هم یاد می‌کند که شیعیان مشرک هستند و تأکید می‌نماید که این موضوع در «صحیفه سرخ» (۱۹!) هم ذکر شده است! شهروندان حق معاشرت و موانست با معرضین را ندارند! سران بهائی صراحتاً دستور داده اند که با معرضان از بهائیت، نشست و برخاست و همنشینی و انس پیدا کردن، حرام است زیرا ممکن است این دیدارها بهائیان را نسبت به بهائیت دل‌سرد نماید و این دستور از آسمان صادر شده است!»: «باید از معرضین در کل شئون اعراض نماییم و در آنی مؤانست و مجالست را جایز ندانیم که قسم به خدا که انفس خبیثه انفس طیبه را می‌گذارد چنان که نار حطب یابسه را و حر تلج بارده را» (بهاء الله، مائده، ج ۸، مطلب ۵۳). همچنین: «با نفوس معرض که اعراضشان ظاهر شده معاشرت و تکلم و ملاقات جایز نه، هذا حکم قد نزل من سماء امر قدیم» (بهاء الله، مائده آسمانی، ج ۸، ص ۷۴ چاپ جدید، باب معاشرت با معرضین جایز نه!). تصور بفرمائید اگر این معرض از بهائیت، پدر یا همسر یا فرزند یک بهائی باشد، معاشرت و موانست با او برای شهروند بهائی حرام است تا جائی که حتی سلام و کلام با او هم جایز نیست! اصولاً طرد روحانی توسط ولی امرالله و محرومیت معاشرت دیگران حتی همسر و فرزند فرد مطرود با مفاد اعلامیه مذکور به ویژه ماده ۱۸ آن تعارض دارد. محدودیت زمانی شهروندان در نگاهداری وسائل خانه! جناب بها در کتاب اقدس: بر شما نوشته (یعنی واجب) شده است که وسائل و اسباب خانه را بعد از انقضای نوزده سال تجدید نمائید! (یعنی نگاهداری بیش از نوزده سال وسائل، گناه است!) لزوم کناره‌گیری شهروندان از عالمان دین جناب بها در ایقان، علما را بزرگ‌ترین مانع و سد هدایت مردم شمرده و همه‌ی ایشان را جاه طلب و دین فروش گفته و از مردم خواسته است اصلاً دنبال عالمان نروند و از آنان احتراز جویند و اگر می‌خواهند به حقیقت و حقانیت باب برسند باید گوش به حرف احدی از علما ندهند و به آن‌ها متمسک نشوند که اگر چنین کنند از درک حقیقت و وصول به سرچشمه حیات و معرفت محجوب و محروم گردند.

حق دادرسی

شهروندان بهائی حق ندارند به دادگاههای کشورها مراجعه نمایند و باید در داخل نظام بهائیت داد رسی شوند. ملاک و میزان هم در حل دعاوی، کتاب اقدس و متون دیگر میرزاست. برخی از شاخص‌های نظام دادرسی هم به قرار ذیل است: ۱- شهروندان دزد باید انگ دار شوند! مجازات دزدان در بار اول دزدی، تبعید و در بار دوم، زندان و در نوبت سوم انگ خوردن بر پیشانی اوست: اقدس:.... در نوبت سوم اگر دزدی نمود، باید در پیشانی او علامتی حک نماید تا به موجب این علامت شناخته شود و در شهرهای مختلف خدا موجب شناسائی او شود تا او را نپذیرند و اخراج نمایند! (حد دزدی هم مشخص نیست که چقدر باشد تا مشمول این مجازات‌ها شود). ۲- گرفتن طلا از شهروندان مرتکب اعمال منافی عفت برای بیت العدل! اگر مرد و زنی بهائی، مرتکب عمل زنا شدند باید طبق نص کتاب اقدس، هر کدام نه مثقال طلا- به بیت العدل پردازند. چنانچه برای بار دوم مرتکب این عمل زشت گردیدند باید هر کدام دو برابر این مبلغ یعنی هیجده مثقال به همان مرکز یعنی بیت العدل پردازند. تکلیف خلافکاران ثروتمند که باید برای بار دهم عمل خلاف خود ۴۳.۲ کیلو و برای بار پانزدهم خلافکاری خود ۱۳۸۲.۴ کیلو و برای بار بیستم زنا خود ۴۴۲۳۶.۸ کیلو (سه کامیون پانزده تنی) طلا به بیت العدل پردازند چیست؟ باری سی ام و چهلم و پنجاهم چه می‌شود؟ (ماشین حساب‌ها کم می‌آورند!) ۳- سوزاندن شهروند مجرم در بهائیت، جزای کسی که آپارتمانی را آتش بزند این است که خودش را آتش بزنند! (هیچ حدی هم معین نشده است) این عین عبارت کتاب اقدس است: «و من احرق بیتا متعمدا فاحرقوه» اگر کسی عمداً خانه‌ای را آتش زد باید او را بسوزانید!! (اگر هم خواستید تخفیف بدهید حبس ابدش کنید!) ۴- طلا گرفتن از شهروند محزون

ساز! جریمه محزون ساختن یک نفر، نوزده مثقال طلاست که به پول امروز یک میلیون و هشتصد هزار تومان است. لذا هر شهروندی که کسی را محزون کند باید این مبلغ را بپردازد. همین شهروند اگر مرتکب فحشاء شود و زنا کند باید نه مثقال طلا یعنی به پول امروز هشتصد هزار تومان به بیت العدل بپردازد! پس جریمه زنا کردن هشتصد هزار تومان ولی جریمه محزون ساختن یک میلیون و هشتصد هزار تومان است! اکنون با توجه به مدارک ذکر شده باید از بهائیان پرسید: ۱- آیا به حقوق شهروندی که در متون خود دارید پای بندید یا آن را قبول ندارید؟ ۲- آیا به مجامع جهانی هم همین‌ها را عرضه می‌کنید یا چیز دیگری می‌گوئید؟ ۳- آیا حاضرید متن کتاب باب را که دستور قتل عام شهروندان غیر بابی را می‌دهد به مجامع جهانی عرضه نمائید؟ ۴- تکلیف شهروندان غیر بهائی که از دید بهاءالله، انسان شمرده نمی‌شوند چیست؟ ۵- محدودیت‌های غیر قابل قبولی که احکام بهائی برای شهروندان دارد و با امروز سازگار نیست چه می‌باشد؟ ۶- آیا هیچ منصفی حاضر است اسم این احکام را، احکام الهی بشمارد؟

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمائید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

